تلاشی در مسیر موفقیت

ترنج بوک

- دانلود گام به گام تمام دروس
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- مشاوره کنکور
- فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net

«درس یکم»

(تاریخ ادبیّات ایران در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم)

خودارزیابی‌ها

سؤال نخست:

محمدباقر میرزا خسروی؛ نام اثر: شمس و طغرا/ میرزا حسن‌خان بدیع؛ نام آثار: شمس‌الدین و قمر، داستان باستان

سؤال دوم:

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار فرهنگی- اجتماعی بر ادبیّات عصر مشروطه، می‌توان به تأثیر جنگ نافرجام ایران و روس و توجه مردم به واقعیت‌ها و امکانات فنی دنیای جدید، تلاش عباس‌میرزا در روی آوردن به فنون جدید، اعزام دانشجو به خارج از کشور، رواج صنعت چاپ در روزنامه‌نویسی و ترجمه و نشر کتاب‌های غربی و همچنین، تأسیس مدرسه دارالفنون اشاره کرد.

سؤال سوم:

فرخی یزدی: از شاعران آزادی‌خواه دورهٔ بیداری است. او تحت‌تأثیر شعرایی چون مسعود سعد و سعدی بود. اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و وطنی در شعرش باعث شد که در نهایت، جانش را فدای آزای کند.

عارف قزوینی: شاعر و موسیقی‌دان عهد مشروطه که تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی وی در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش داشت. شعر او ساده و دور از پیچیدگی بود. وی از دردمندترین سرایندگان عصر بیداری است.

ایرج میرزا: ماهر در سرودن اشعار ساده و روان با بهره‌گیری از تعبیرات عامیانه و اندیشه‌های نوگرایانه و ترجمه از شعرهای غربی؛ در طنز و هجو و هزل نیز دستی داشت.

سؤال چهارم:

شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر فارسی در عصر بیداری اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و وطنی، مبارزه با استبداد و استعمار و قانون‌خواهی است.

سؤال پنجم:

تحوّلات نثر فارسی در دورهٔ بیداری، حرکتی به سمت سادگی و بی‌پیرایگی همراه با رواج روزنامه‌نگاری، ترجمه و توجّه به ادبیات داستانی است؛ از جمله قالب‌های موردتوجّه در حوزهٔ ادبیّات داستانی نیز می‌توان به رمان، نمایش‌نامه و داستان اشاره کرد.

سؤال ششم:

از عوامل مؤثّر در پیدایش نهضت بازگشت، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

یک) تاراج کتابخانهٔ اصفهان که نتیجهٔ آن دسترسی مردم به کتابخانهٔ سلطنتی و ارتباط دوبارهٔ اهل ذوق با ادب کهن بود.

دو) توجّه به ادبیّات در دربار قاجار و رونق شاعری و مدح شاهان (که خودبه‌خود اهل شعر را به سرودن اشعار گوناگون، به‌ویژه در قالب‌های سنّتی، سوق می‌داد).

سه) تضعیف جامعه بر اثر شکست ایران از روسیهٔ تزاری، که منجر به تضعیف پایه‌های فرهنگی و پایین آمدن سطح دانش ادبی مردم شد و اهل شعر و هنر را، به‌جای خلاقیّت و آفرینش شیوه‌های نو، به تقلید از گذشتگان وادار کرد.

سؤال هفتم:

زبان شعر برای اینکه قابل‌فهم‌تر باشد و بتواند مفاهیم تازهٔ آزادی‌خواهانه و اجتماعی را بهتر به مردم منتقل کند، به سادگی گرایش پیدا می‌کند و بهره‌گیری از زبان عامّه و روزمرّه در شعر بسیار رواج می‌یابد.

سؤال هشتم:

مهم‌ترین تأثیر وی در نثر فارسی، سوق دادن آن به سمت ساده‌نویسی و باز کردن این مسیر در نگارش بود. او با تغییر سبک نگارش فارسی، باعث شد تکلف در نثر کم شود و به‌مرور از بین برود. شیوهٔ وی در نگارش، بهره‌گیری از ضرب‌المثل و شعر در نثر، باعث شد مردم عادی به نثر توجّه بیشتری نشان دهند. قائم‌مقام را می‌توان احیاکنندهٔ نثر فارسی دانست.

«درس دوم»
پایه‌های آوایی ناهمسان

خودارزیابی‌ها

سؤال نخست:

ابتدا در هر کدام از گزینه‌ها، پایه‌های آوایی را استخراج، سپس بر اساس پایه‌های استخراج‌شده، همسانی یا ناهمسانی آن‌ها را مشخّص می‌کنیم.

! منظور از وزن‌های همسان اوزان یک‌پایه‌ای یا اوزانی‌ست که به‌تناوب و یک‌درمیان، عیناً تکرار شوند. بر همین اساس، وزن‌هایی از جمله «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» یا «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»، با وجود تکرار برخی ارکان، ناهمسان به شمار می‌آیند، زیرا این تکرار متقارن و متناوب نیست:

الف) آ ب زَ نی | د را ه را | هیزْ کِ نِ گا | ر می رِ سَد (مفتعلن مفاعلن، مفتعلن مفاعلن) ← همسانِ دولختی

ب) دِ لَم سَر | بِ ها موزْ | رَ ها می | پَ سَن دَد (فعولن فعولن فعولن فعولن) ← همسان یک‌پایه‌ای

پ) با زیزْ چِ | شو رِ شَس ت | کِ دَر خَل قِ | عا لَ مَست (مفعول فاعلاتُ مفاعیل فاعلن) ← ناهمسان

ت) گَش تِ اَم در | جَ ها نُ آ | خَ رِ کار (فاعلاتن مفاعلن فعلن) ← ناهمسان

ث) دِل نی ست | کَ بو تَر کِ | چُ بَر خا ست | نِ شی نَد (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) ← ناهمسان

ج) شَ فا ِ یِ ایزْ | دِ لِ بی ما | ر جُز لِ قا | یِ تُ نیست (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) ← ناهمسان

سؤال دوم:

الف)

را	س	تی	کن	کِ	را	س	تانْ	رَس	تَند	
را	س	تانْ	در	جَ	هان	قَ	وی	دَس	تَند	
فاعلاتن				مفاعِلُن				فع لُن		

ب)

مُ	حَم	مَد	کا	فَ	ری	نِش	هس	ت	خا	کَش
هِ	زا	رانْ	ءا (آ)	فَ	ریزْ	بَر	جا	نِ	پا	کَش
مفاعیلُن			مفاعیلُن			فعولُن				

پ)

با	آنْ	کِ	جی	بُ	جا	مِ	مَ	نَز	ما	لُ	مِی	تُ	هیست
ما	را	فَ	را	غَ	تی	ست	کِ	جَم	شی	دِ	جَم	نَ	داشت
مستفعِلُن			مفاعیلُن			مستفعِلُن						فَعَل	

تلاشی در مسیر موفقیت

ت)

ءا (آ)	تَ	شِ	حُب	بُل	وَ	طَن	چُ	شُع	لِ	فُ	رو	زَد
عَز (آز)	دِ	لِ	مُؤ	مِن	کُ	نَد	بِ	مِج	مَ	رِ	اِس	پَند
		مفتَعِلُن		**فاعِلاتُ**				**مفتَعِلُن**			**فَع**	

سؤال سوم:

ابتدا وزن هر بیت را استخراج می‌کنیم:

وزن گزینهٔ الف: مفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعَلُن

وزن گزینهٔ پ: مفعولُ مفاعِلُن فعولُن (مستفعِلُ فاعِلاتُ فعلُن)

وزن گزینهٔ پ: مفعولُ مفاعِلُن فعولُن (مستفعِلُ فاعِلاتُ فعلُن)

وزن گزینهٔ ت: مفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعَلُن

بنابراین گزینّ الف و پ با هم و گزینه‌های ب و ث نیز با یکدیگر هم‌وزنند.

سؤال چهارم:

الف) صورت نخست:

هِم	مَت	طَ	لَ	بَز	با	طِ	نِ	پی	را	نِ	سَ	حَر	خیز
زی	را	کِ	یِ	کی	را	زِ	دُ	عا	لَم	طَ	لَ	بی	دَند
		مستفعِلُ			**مستفعِلُ**			**مستفعِلُ**			**فع‌لن**	

الف) صورت دوم:

هِم	مَت	طَ	لَ	بَز	با	طِ	نِ	پی	را	نِ	سَ	حَر	خیز
زی	را	کِ	یِ	کی	را	زِ	دُ	عا	لَم	طَ	لَ	بی	دَند
	مفعولُ		**مفاعیلُ**			**مفاعیلُ**			**فعولن**				

** در علم عروض، صورت دوم جداسازی در نام‌گذاری اوزان عروضی (که به آن‌ها اصطلاحاً بحر می‌گویند)، استفاده می‌شود.*

ب) صورت نخست:

کِش	تی	شِ	کَس	تِ	گا	نی*	مِی	با	دِ	شُر	طِ	بَر	خیز
با	شَد	کِ	با	ز	بی	نَم	دی	دا	رِ	ءا	شِ	نا	را
		مستفعلن		**فعولن**			**مستفعلن**				**فعولن**		

ب) صورت دوم:

کِش	تی	شِ	کَس	تِ	گا	نی*	ءِی	با	دِ	شُر	طِ	بَر	خیز
با	شَد	کِ	با	ز	بی	نَم	دی	دا	رِ	ءا	شِ	نا	را
مفعول			**فاعلاتن**				**مفعول**				**فاعلاتن**		

* این هجا به‌صورت **نیم|ءِی** نیز قابل جداسازی است.

! همان‌طور که در سال گذشته خواندیم، در پایان نیم‌مصراعِ اوزان دولختی (دوری)، همانند پایان مصراع عمل می‌شود؛ به این معنا که هجاهای کوتاه و کشیده در این هجا (پایان نیم‌مصراع) در هر حالتی، یک هجای بلند به شمار می‌آیند. این نکته در جداسازی هجاهای تشکیل‌دهندهٔ یک بیت بسیار مهم است، زیرا باعث می‌شود با تقطیع نادرست، تعداد هجاهای دو مصراع، نابرابر شده یا وزن آن‌ها به دست نیاید.

پ) صورت نخست:

ءِی	سَر	وِ	بُ	لَن	د	قا	مَ	تِ*	دوست
وَه	وَه	کِ	شَ	ما	یِ	لَت	چِ	نی	کوست
مستفعل				**فاعلات**			**فع‌لن**		

پ) صورت دوم:

ءِی (اِی)	سَر	وِ	بُ	لَن	د	قا	مَ	تِ*	دوست
وَه	وَه	کِ	شَ	ما	یِ	لَت	چِ	نی	کوست
مفعول			**مفاعلن**			**فعولن**			

ت) صورت نخست:

لَب	خَن	دِ	تُ*	خُ	لا	صِ	یِ	خو	بی	هاست
لَخ	تی	بِ	خَن	د	خَن	دِ	یِ	گُل	زی	باست
مستفعِلُن				**مفاعِلُ**			**مفعولُن**		

ت) صورت دوم:

لَب	خَن	دِ	تُ*	خُ	لا	صِ	یِ	خو	بی	هاست
لَخ	تی	بِ	خَن	د	خَن	دِ	یِ	گُل	زی	باست
مفعول			**فاعلات**			**مفاعیلن**			

سؤال پنجم:

مفهوم این بیت، وطن‌دوستی‌ست. وطن‌دوستی و علاقه به میهن، می‌تواند باعث بی‌قراری دائمی یک فرد باشد؛ زیرا همیشه نگران و بی‌تاب وطن خویش است. (اغراق در توصیف وطن‌دوستی)

«درس سوم»
مراعات‌نظیر، تلمیح و تضمین

سؤال نخست:

ردیف	آرایه‌ها
الف	مه- روشن- اختر/ شاخه- گل
ب	سر- دست- پا- زلف/ گوی- چوگان (از اصطلاحات بازی چوگان, این کلمات می‌توانند با واژه‌هایی از جمله سوار، سوارکار و میدان نیز تشکیل رابطهٔ مراعات‌نظیر بدهند.)
پ	باغ- سبزه/ باران‌خورده- تر
ت	نرگس- چمن/ چشم- چشمک زدن
ث	باغ- برگ/ باران- باد/ روز- شب (این تناسب، رابطهٔ تضاد نیز تشکیل داده‌است)/ ساز- سرود
ج	آتش- شعله- شمع/ شمع- پروانه (گاهی با توجّه به معانی و کاربردهای گوناگون کلمات، یک واژه می‌تواند با زنجیره‌های متنوّعی از واژگان، مراعات‌نظیر تشکیل بدهد.)
چ	باغ ـ گل ـ بشکفد ـ تخم ـ خاک
ح	اسب ـ پیاده ـ رخ ـ پیل ـ شهمات- نَطع (صفحهٔ شطرنج)
خ	مرگ ـ زندگی- بمیر- مردن
د	دولت ـ تاج ـ سلطنت- فقر ـ گدا
ذ	عمر ـ امروز ـ فردا
ر	سر ـ پا ـ دست/ سر نهادن- جان شستن

سؤال دوم:

الف) تلمیح به ماجرای حضرت خضر؛ خضر از بندگان صالح خدا و از همراهان حضرت موسی و یوشع (سلام الله علیهم) بود. روایت است که وی توانست به آب حیات (آبی که نوشیدنش به انسان حیات جاودان می‌بخشد)، دست یابد. صائب با اشاره به این ماجرا، آن را به دلیل ستمگر بودن چرخ، بعید می‌داند.

پ) تلمیح به ماجراهای عاشقانهٔ خسرو و شیرین (شاهزاده‌های ایرانی و ارمنی) و لیلی و مجنون (دو تن از جوانان قبایل عرب که داستان عشقشان مشهور و جهان‌گیر است).

پ) سرد شدن از دوزخ در مصراع نخست، اشارهٔ بسیار ظریف و غیرمستقیمی به روایت گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم دارد و مصراع دوم نیز به داستان خشک شدن رود نیل بر حضرت موسی (ع) و یارانش هنگام عبور از آن رود، اشاره می‌کند.

ت) تلمیح به آداب و عبارت‌هایی از نماز، اذان، اقامه (تکبیره‌الاحرام: گفتن تکبیر برای شروع نماز) قدقامت (قد قامت الصلاه) دارد.

ث) فرعون نماد قدرت و پادشاهیِ بی‌اعتبار است. با مرگ فرعون، تمام عظمت و شکوه او نیز از بین رفت. گنج دقیانوس (نام قدیم شهر جیرفت) در اکتشافات باستان‌شناسی سال‌ها پیش به دست آمد. این گنج در حقیقت، اکتشافات باستانی و تاریخی بود.

ج) تلمیح به ماجرای عاشقانهٔ شیرین و فرهاد (فرهاد عاشق شیرین، شاهزادهٔ ارمنی بود.)

چ) بیت اشاره به عشق نافرجام لیلی و مجنون و دلدادگی شوریده‌وار مجنون دارد.

ح) تلمیح به گفتهٔ معروف حسین حلّاج (از بزرگان صوفیّه) که همواره تکرار می‌کرد: أنا الحق.

سؤال سوم:

الف) تضمین بخشی از یک گفتهٔ معروف است که در کتب گوناگون به شکل‌های مختلفی آمده‌است و منشأ و گویندهٔ آن معلوم نیست. مضمون این گفته، برگرفته از آیات گوناگون قرآن است که انسان را دعوت به صبر و بردباری می‌کند.

ب) بخشی از گفتار معروف حضرت علی (ع) به معنای «با مردم به‌اندازهٔ عقل و فهمشان سخن بگو».

پ) تضمین بخش کوتاهی از سورهٔ حمد: الحمدُ لله ربِّ العالمین.

ت) تضمین بخشی از آیهٔ قرآن که در سوره‌های گوناگونی از جمله بروج، طه، ابراهیم و ... آمده‌است: جنّاتٍ تجری من تحتها الانهار: بهشت‌هایی که در زیر {درختانِ} آن، نهرهایی جاری است.

ث) از عبارت‌های عارفانهٔ منسوب به پیامبر اسلام، به‌معنی «آن‌چنان‌که باید، حق عبادت تو را به جا نیاوردیم».

سؤال چهارم:

درون‌مایهٔ این شعر آزادی، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر بیداری است. شاعر شأن آزادی را در حد جان‌فشانی برای آن بالا برده‌است.

۵) **صورت نخست:**

بُگ	شو	د	گِ	رِه	زِ	زُل	فِ	زَر	تار
مَح	بو	بِ	یِ	نی	ل	گونْ	عِ	ما	ری
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مستفعِلُ			**فاعلاتُ**				**فع‌لن**		

۵) **صورت دوم:**

بُگ	شو	د	گِ	رِه	زِ	زُل	فِ	زَر	تار
مَح	بو	بِ	یِ	نی	ل	گونْ	عِ	ما	ری
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مفعول			**مفاعلن**				**فعولن**		

کارگاه تحلیل فصل

سؤال نخست:

گزینه‌های الف، ب و ت، دارای پایه‌های آوایی ناهمسان هستند که تقطیع هجایی آن‌ها به ترتیب زیر است:

الف)

تَر	کِ	گِ	دا	یی	مَ	کُن	کِ	گَن	ج	بِ	یا	بی
ءَز (اَز)	نَ	ظَ	رِ	رَه	رُ	وی	کِ	در	گُ	ذَ	را	یَد
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
مفتعلن			فاعلاتُ				مفتعلن				فع	

مفتعلن فاعلات مفتعلن فع ← به‌دلیل عدم تکرار متقارن پایه‌های آوایی، این وزن *ناهمسان* نامیده‌می‌شود.

ت)

دِ	لا	بِ	سو	ز	کِ	سو	زِ	تُ	کا	ر	ها	بِ	کُ	نَد
نِ	یا	زِ	نی	م	شَ	بی	دَف	عِ	صَد	بَ	لا	بِ	کُ	نَد
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
مفاعلُن			فَعَلاتُن			مفاعلُن			فَعَلُن					

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن ← به‌دلیل عدم تکرار متقارن پایه‌های آوایی، این وزن *ناهمسان* نامیده‌می‌شود.

سؤال دوم:

الف) صورت نخست:

دا	نِس	ت	کِ	دِل	ءَ	سی	ر	دا	رَد
در	دی	نَ	دَ	وا	پَ	ذی	ر	دا	رَد
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مستفعِلُ				فاعِلاتُ			فَع‌لن		

الف) صورت دوم:

دا	نِس	ت	کِ	دِل	ءَ	سی	ر	دا	رَد
در	دی	نَ	دَ	وا	پَ	ذی	ر	دا	رَد
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مفعولُ			مفاعلن				فعولن		

تلاشی در مسیر موفقیت

ب) صورت نخست:

دی	شِی	خ	با	چِ	را	غ	هَ	می	گَش	ت	گِر	دِ	شهر
کَز	دی	وُ	دَد	مَ	لو	لَ	مُ	اِن (عِن)	سا	نَ	ما	رِ	زوست
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مستفعِلُن				مفاعِلُ				مستفعِلُن			فَعَل		

ب) صورت دوم:

دی	شِی	خ	با	چِ	را	غ	هَ	می	گَش	ت	گِر	دِ	شهر
کَز	دی	وُ	دَد	مَ	لو	لَ	مُ	اِن (عِن)	سا	نَ	ما	رِ	زوست
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مفعولُ			فاعلاتُ			مفاعیلُ					فاعلن		

پ) صورت نخست:

دُن	یا	نَ	یَر	زَ	دانِ	کِ	پَ	ری	شانِ	کُ	نی	دِ	لی
زِن	ها	ر	بَد	مَ	کُن	کِ	نَ	کَر	دَس	ت	عا	قِ	لی
–	–	U	–	U	–	U	U	–	–	U	–	U	–
مستفعِلُن				مفاعِلُ				مستفعِلُن			فَعَل		

پ) صورت دوم:

دُن	یا	نَ	یَر	زَ	دانِ	کِ	پَ	ری	شانِ	کُ	نی	دِ	لی
زِن	ها	ر	بَد	مَ	کُن	کِ	نَ	کَر	دَس	ت	عا	قِ	لی
–	–	U	–	U	–	U	U	–	–	U	–	U	–
مستفعِلُن				مفاعِلُ				مستفعِلُن			فَعَل		

ت) صورت نخست:

ءا (آ)	بی	تَ	رَ	زا	نی	م	کِ	بی	رَن	گ	بِ	می	ریم
ءَز	شی	شِ	نَ	بو	دی	م	کِ	با	سَن	گ	بِ	می	ریم
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مفعول			مفاعیل				مفاعیل				فعولن		

تلاش در مسیر موفقیت

ت) صورت دوم:

ءا (آ)	بی	تَ	رَ	زا	نی	م	کِ	بی	رَن	گ	بِ	می	ریم
عَز	شی	شِ	نَ	بو	دی	م	کِ	با	سَن	گ	بِ	می	ریم
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مستفعِلُ				مستفعِلُ				مستفعِلُ				فع‌لن	

سؤال سوم:

آرایه ← / بیت ↓	مراعات‌نظیر	تلمیح
الف	شعاع، ضرب، مساحت، حساب کردن	
ب	سعفص، کلمن، خوانده، نخوانده آزادی و قانون	اشاره به حروف ابجد
پ	فرهاد، کوه‌کنی، تیشه	تلمیح به عشق فرهاد و کوه‌کنی او به‌خاطر شیرین
ت	دست، پای، سر	
ث	دیروز، امروز، فردا	

سؤال چهارم:

این شعر سرودهٔ علی‌اکبر دهخداست و برای میرزا جهانگیر خان شیرازی (ملقّب به صور اسرافیل) سروده شده‌است. دهخدا و میراز جهانگیر خان، سال‌ها به فعالیت‌های سیاسی و آزادی‌خواهانه پرداختند و سال‌ها در روزنامهٔ صور اسرافیل با نوشته‌های خود، به نقد شرایط وقت پرداختند. در نهایت، میرزا جهانگیر خان به‌همراه هشت تن دیگر از فعالان سیاسی آن دوره ابتدا تکفیر، سپس به دستور محمدعلی شاه قاجار کشته‌شد. این شعر در وصف همهٔ آزادی‌خواهان و الهام‌گیری از سرگذشت میرزا جهانگیر خان سروده شده‌است و نشان‌دهندهٔ شرایط تیره و تار آن زمان و استبداد حاکم است.

سؤال پنجم:

در حیطهٔ بدیع معنوی، می‌توان به آرایه‌های زیر اشاره کرد:

تهران مجاز از ایران/ قلم مجاز از کلام/ در واژگان مشکلات و آسان از راه تداعی، رابطهٔ تضاد معنایی وجود دارد./ برق و نور رابطهٔ مراعات‌نظیر (تناسب) دارند./ واژگان شرع، قرآن و ایمان تداعی‌کنندهٔ فضایی مذهبی و دینی هستند و رابطهٔ مراعات‌نظیر تشکیل داده‌اند./ بیت یادآور آیهٔ نخستین سورهٔ قلم نیز هست: نون و القلم و ما یسطرون: قسم به قلم و آن‌چه می‌نویسد./ در حیطهٔ علم بیان نیز بارزترین آرایهٔ شعر، بهره‌گیری از تشخیص (استعارهٔ مکنیه) در گفتگو با قلم است.

«درس چهارم»
سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دورهٔ بازگشت و بیداری)

سؤال نخست:

تحلیل شعر ملک‌الشّعرای بهار در قلمروی ادبی

برخی آرایه‌های به‌کاررفته در حیطهٔ بیان عبارتند از: بار سفر بستن، کنایه از آمادهٔ حرکت شدن/ در ترکیب «گرد شتابنده» استعاره مکنیه وجود دارد و می‌توان آن را اضافهٔ استعاری نامید./ داغ: استعاره از سیاهی وسط گل لاله است؛ داغ است دل لاله: کنایه از عزادار بودن لاله است./ لاله‌عذاران: تشبیه؛ کسانی که عذار (چهرهٔ) آنان مانند لاله زیباست./ در ترکیب دلِ لاله، استعارهٔ مکنیّه وجود دارد و یک ترکیب استعاری‌ست./ در واژهٔ «سرو» نیز استعارهٔ مکنیه (= تشخیص) وجود دارد./ باغ جهان یک ترکیب (اضافهٔ) تشبیهی‌ست./ مرغ گرفتار: استعارهٔ مصرحه از انسان اسیر/ گلشن: استعاره مصرحه از دنیا/ هَزاران به معنی بلبلان: استعارهٔ مصرحه از انسان‌های آزادی‌خواه/ خون‌بار: کنایه از غم فراوان/ چون ابر بهاران همه رفتند: تشبیه رفتن آدم‌ها به رفتن ابر بهاری

برخی آرایه‌های حیطهٔ بدیع: در بیت سوم حسن تعلیل (ذکر دلیل ادبی) وجود دارد زیرا برای حالت طبیعی گل لاله و سرو دلیلی غیرعلمی (ادبی) آورده‌است که صرفاً از دید زیبایی‌شناسی قابل‌توجیه است. / خفتن: کنایه از مردن/ تکرار واژهٔ اندوه در قلمروی واژه‌آرایی‌ست./ حروف ر و س در برخی ابیات، واج‌آرایی (موسیقی حروف) ایجاد کرده‌اند که بر غنای موسیقایی شعر افزوده‌است. شعر در محور افقی و در هر بیت، برای تصویرسازی از آرایهٔ مراعات‌نظیر و تناسب‌های واژگانی بهره می‌برد؛ گروه کلماتی از جمله «گرد- دامن- سواران»، «لاله- سرو- باغ» و «مرغ- گلشن- قفس- هَزار» از آن دسته‌اند.

تحلیل شعر ملک‌الشّعرای بهار در قلمروی فکری

شعر در یک فضای غم‌گرایانه سروده شده‌است. به اعتقاد شاعر، انسان‌های خوب و شایسته همه از دنیا رفتند، ایران (وطن شاعر)، خالی از افراد لایق شده و این مسأله اندوه شاعر را برانگیخته‌است. شاعر در نبود همراهان پیرامون خود، احساس تنهایی و ناامیدی می‌کند و او نیز راه رهایی را در رفتن و ترک دنیا می‌داند. شعر یک در لایهٔ معنایی دیگر، بی‌اعتباری دنیا را نیز تداعی می‌کند.

سؤال دوم:

تحلیل در قلمروی ادبی- دست زمانه، اضافه استعاری است./ در بیت دوم، ترکیب «سیل خون» اغراق‌گونه است./ آستین از چشم برگرفتن کنایه از آگاهی و بیداری است./ شاعر خود را در گریستن و نالیدن به ارغنون (از ابزارهای موسیقی) تشبیه کرده‌است. (ارغنون سازی‌ست که لوله‌های فراوانی برای دمیدن دارد و هنگام نواختن، از آن صدای زیادی برمی‌خیزد./ چرخ: استعاره مکنیه (= تشخیص) دارد، زیرا مخاطب شاعر واقع شده‌است./ بین واژگان درد و دزد نیز جناس ناقص اختلافی وجود دارد.

سؤال سوم:

تحلیل متن در قلمروی زبانی- می‌توان نشانه‌های سادگی متن دورهٔ مشروطه را در ساختار متن دید. نشانه‌های این سادگی در جملات کوتاه، واژگان قابل‌فهم و پرهیز از به‌کارگیری واژگان دشوار و دیریاب عربی وجود دارد. وجود برخی واژگان عربی از جمله مالیه، انتظام قشون و عمارت و ... به‌دلیل کاربرد اصطلاحی آن‌ها در آن دورهٔ تاریخی از زبان فارسی است. واژهٔ کرور از واژگان دخیل غیرعربی به زبان فارسی‌ست که در نتیجهٔ تبادلات فرهنگی ایران و اروپا، در کنار بسیاری واژگان دیگر به زبان فارسی راه یافتند. بیشتر واژگان به‌کاررفته در متن، ساده است؛ از واژگان غیرساده می‌توان به گذشتگان (وندی)، بزرگ‌مرد (مرکّب)، خرابی‌ها (وندی) و ... اشاره کرد. در قلمروی واژگانی، نویسنده از ترکیب‌های متضاد (دوست- دشمن، پستی- بلندی) برای تأثیرگذاری بیشتر سود برده‌است.

تحلیل متن در قلمروی فکری- مضمون غالب متن، نوگرایی و تجدّدخواهی‌ست که از مضامین رایج نثر دورهٔ مشروطه است. ناظم‌الاسلام در این متن، دربارهٔ پیشینهٔ تحوّلات جامعهٔ ایرانی سخن می‌گوید و منشأ آن را در اقدامات امیرکبیر جستجو می‌کند. این متن را می‌توان یک نمونه از متن‌های تحقیقی و تحلیلی این عصر به شمار آورد.

«درس پنجم»
اختیارات شاعری (۱)- زبانی

سؤال نخست:

اگر مصوت بلند «ی» در میان واژگان ساده یا کلمه با پسوند و پیشوند یا ضمایر پیوسته بیاید، همواره کوتاه تلفّظ می‌شود؛ مثل بیا، قیامت، دلداری‌اش و ... . مصوت بلند «و» نیز، در واژگان تک‌هجایی از جمله مو، رو، کو و ... هرگز کوتاه تلفّظ نمی‌شود؛ واژهٔ «سو» از این قاعده مستثنی‌ست.

سؤال دوم:

جادویی (— U —): اختیار زبانیِ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای دوم

ساقی ما (— U U —): اختیار زبانیِ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی»

آهوی دشْت (— U — U): اختیار زبانیِ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای دوم؛ و اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سوم

درخْتِ دوستی (U — — U —): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در پایان هجای سوم

سوی منْ (U U —): اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در پایان واژهٔ «سو»

پهانْه (U — —): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در پایان کلمه

تو گفْتی (— — —): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در پایان کلمهٔ «تو»

شُبْ و روزْ (U — — U): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در واو عطف هجای دوم

سؤال سوم:

الف)

گُف	تی	پِ	سَ	رین	نَ	جا	یِ	با	زیست
بِش	تا	ب	کِ	جا	یِ	چا	رِ	سا	زیست
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مستفعلُ				فاعلاتُ				فَعِلَن	

۱. اختیار زبانی حذف همزه در هجای دوم مصراع نخست ۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای پنجم مصراع نخست

ب)

فَر	یا	د	کِ	دَر	رَه	گُ	ذَ	رِ	ءا (اَ)	دَ	مِ	خا	کی
بَس	دا	نِ	فِ	شاخ	دَن	دُ	بَ	سی	دا	م	تَ	نی	دَند
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مستفعِلُ				مستفعِلُ				مستفعِلُ				فَعِلَن	

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای نهم مصراع نخست

پ)

ما	زِن	دِ	بِ	ءا (اَ)	نی	م	کِ	ءا (اَ)	را	م	نَ	گی	ریم
مو	جی	م	کِ	ءا (اَ)	سو	دِ	**گی**	**یِ**	ما	عَ	دَ	**مِ**	ماست
—	—	U	U	—	—	U	**U**	**—**	—	U	U	—	—
مستفعِلُ			**مستفعِلُ**				**مستفعِلُ**			**فَعِلَن**		

۱. اختیار زبانیِ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای هشتم مصراع دوم

۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای نهم مصراع دوم

۳. اختیار زبانی بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سیزدهم مصراع دوم

ت)

بَر	هـَ	مِ	ءَه(اَه)	**لِ**	جَ	هاتـ	سَی	**یِ**	دُ	سَر	وَر	عَ	لیست
دَر	رَ	هِ	دی	**نِ**	خُ	دا	ها	**دی**	یُ	رَه	بَر	عَ	لیست
—	U	U	—	—	U	—	—	**U**	U	—	—	U	—
مفتعِلُن				**فاعِلُن**			**مفتعِلُن**				**فاعِلُن**		

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجاهای پنجم مصراع نخست و دوم

۲. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در هجای نهم مصراع دوم

ث)

زِ	دُ	دی	دِ	خوتـ	فِ	شا	نَم	زِ	غَ	مَت	شَ	**بِ**	جُ	دا	یی
چِ	کُ	نَم	کِ	هَس	ت	ءیتـ	ها	گُ	لِ	با	غِ	ءا (اَ)	شِ	نا	یی
U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
فَعَلاتُ			**فاعِلاتُن**				**فَعَلاتُ**				**فاعِلاتُن**			

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سیزدهم مصراع نخست

ج)

تَ	فَر	رُج	کُ	ناتـ	دَر	هَ	وا	**وُ**	ه	وَس
گُ	ذَش	تی	م	بَر	خا	کِ	بَس	یا	ر	کَس
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
فَعولُن			**فَعولُن**			**فَعولُن**			**فَعَل**	

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (واو عطف) در هجای نهم مصراع نخست

چ)

مَن	نِ	می	گو	یَم	زِ	یانَ	کُن	یا	بِ	فِک	رِ	سو	د	باش
ءِی	زِ	فُر	صَت	بی	خَ	بَر	دَر	هَر	چِ	هَس	تی	زو	د	باش
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
فاعِلاتُن				**فاعِلاتُن**				**فاعِلاتُن**				**فاعِلُن**		

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای دوازدهم مصراع نخست

ح)

بی	چا	رِ	**گی**	**یِ**	وُ	را	چُ	دی	دَند
دَر	چا	رِ	گَ	ری	زَ	بانَ	کِ	شی	دَند
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مستَفعِلُ				**فاعِلاتُ**				**فَعَلَن**	

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای چهارم مصراع نخست

۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای پنجم مصراع نخست

! پایه‌های آوایی بیت به صورت «مفعول مفاعلن فعولن» نیز قابل جداسازی است. این‌گونه جداسازی تغییری در کشش‌های هجایی یا اختیارات شاعری به وجود نمی‌آورد.

خ)

خَ	لَد	گَر	بِ	پا	خا	**ری**	**یا**	سانَ	بَ	**را**	یَد
چِ	سا	زَم	بِ	خا	ری	کِ	دَر	دِل	نِ	شی	نَد
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
فَعولُن			**فَعولُن**			**فَعولُن**			**فَعولُن**		

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای هفتم مصراع نخست

۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای هشتم مصراع نخست

۳. اختیار زبانی حذف همزه در هجای یازدهم مصراع نخست

د)

هَ	**مِ**	بَر	گِ	بو	دَن	هَ	می	سا	خ	تی
بِ	تَد	بی	رِ	رَف	تَن	نَ	پَر	دا	خ	تی
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
فعولُن			**فعولُن**			**فعولُن**			**فَعَل**	

تلاشی در مسیر موفقیت

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (پایان کلمه) در هجای دوم مصراع نخست

ذ)

سو	**یِ**	چا	رِ	گَش	تَم	زِ	یی	چا	رِ	گی
نَ	دا	دَم	بِ	دو	سَر	بِ	یِک	با	رِ	گی
U	–	–	U	–	–	U	–	–	U	-
فعولن			**فعولن**			**فعولن**		**فعل**		

اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در هجای نخست مصراع نخست

اختیار زبانی بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه (کسرهٔ پایان کلمه) در هجای دوم مصراع نخست

ر)

نِ	کو	هِش	مَ	کُن	چَر	خِ	نی	لو	فَ	ری	را
بُ	روَ	کُن	زِ	سَر	با	دِ	خی	رِ	سَ	ری	را
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
فعولُن			**فعولُن**			**فعولُن**			**فعولُن**		

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (پایان کلمه) در هجای نهم مصراع دوم

ترنج
تلاشی درمسیر موفقیت

«درس ششم»

لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

سؤال نخست:

الف) ملامت= لف ۱ ➲ شنیدم= نشر ۱/ ندامت = لف ۲ ➲ کشیدم= نشر ۲ (نوع لف و نشر: مشوّش)

ب) فرو رفت= لف ۱ ➲ به ماهی، نمِ خون= نشر ۱/ بر رفت= لف ۲ ➲ بر ماه، گرد = نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتّب)

پ) دل= لف ۱ ➲ جمع = نشر۱/ کشور= لف ۲ ➲ معمور= نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتّب)

ت) جیب= لف ۱ ➲ مال = نشر ۱/ جام= لف ۲ ➲ می= نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتّب)

سؤال دوم:

الف) برود ± نرود/ **ب)** نماند ± ماند/ **پ)** پخته± خام/ **ت)** بیشی ± کمّی | بکاهی ± فزایی/ **ث)** نخوت ± شوکت | گل ±خار

سؤال سوم:

الف) از این ***باد*** ار مدد خواهی، ***چراغ*** دل ***برافروزی*** (یاری خواستن از باد برای روشن کردن چراغ، درحالی‌که باد خاموش‌کنندهٔ چراغ است، نه روشن‌کنندهٔ آن.)

ب) شرمِ سرافرازی (سرافرازی با غرور و شرم با سرافکندگی همراه است؛ ترکیب این دو با هم متناقض‌نماست.)/ معراجِ از پا افتادن (معراج به معنی بالا رفتن است که از لحاظ مفهومی نقض‌کنندهٔ از پا افتادن است. ترکیب این دو مفهوم در کنار یکدیگر، متناقض‌نماست.)

پ) عینِ درمان بودن درد، متناقض‌نماست، زیرا هرجا درد هست، درمان نیست و به‌عکس.

سؤال چهارم:

با	ءان	کِ	جی	بُ	جا	مِ	مَ	**نَز**	ما	لُ	مِی	تُ	هیست	
ما	را	فَ	را	غَ	تی	ست	کِ	جَم	شی	دِ	جَم	نَ	داشت	
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	
مفعول		**فاعلات**				**مفاعیل**				**فاعلن**				

در هجای نهم مصراع دوم، از اختیار زبانی حذف همزه استفاده شده‌است.

* *در بیت تلمیح به ماجرای جمشید، پادشاه ایرانی و صاحب جام جهان‌نما هم دیده‌می‌شود.*

! پایه‌های آوایی بیت، به‌صورت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» نیز قابل تفکیک است.

تلاش در مسیر پیروزی موفقیت

کارگاه تحلیل فصل

سؤال نخست:

نُوای نَی (U — — —): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سوم

آرزُوی خُوب (— U — — — U): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای چهارم

دل پاک (U — — U): اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای دوم

یارُی دهر (— **U** — —U): **۱.** اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای دوم **۲.** اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای سوم

سؤال دوم:

الف)

را	س	**تی**	**یا**	مو	ز	بَ	سی	جُو	فُ	روش
هَس	ت	دَ	**رین**	شَه	ر	کِ	گَن	دُم	نَ	ماست
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
مفتعِلُن				**مفتعِلُن**				**فاعِلُن**		

۱. اختیار زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای سوم مصراع نخست

۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای چهارم مصراع نخست و دوم

ب)

نَ	بی	نی	با	غ	باتَ	چُن	گُل	بِ	کا	رَد
چِ	ما	**یِ**	غَم	خُ	رَد	تا	گُل	بَ	**را**	رَد
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
مفاعیلُن				**مفاعیلُن**				**فعولن**		

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه در هجای سوم مصراع دوم

اختیار زبانی حذف همزه در هجای دهم مصراع دوم

پ)

غَ	مَش	دَر	نَ	هاتَ	خا	نِ	**یِ**	دِل	نِ	شی	نَد
بِ	نا	زی	کِ	لِی	لی	بِ	مَح	مِل	نِ	شی	نَد
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
فعولُن			**فعولُن**			**فعولُن**			**فعولُن**		

اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای هشتم مصراع نخست

ت)

گَ	رَ	زین	مَن	زِ	لِ	وی	را	نِ	سو	یِ	خا	نِ	رَ	وَم
دِ	گَ	ران	جا	کِ	رَ	وَم	عا	قِ	لُ	فَر	زا	نِ	رَ	وَم
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—
فَعَلاتُن			فَعَلاتُن			فَعَلاتُن			فَعَلاتُن			فَعَلُن		

۱. اختیار زبانی حذف همزه در هجاهای دوم و سوم مصراع نخست و هجای سوم مصراع دوم

۲. اختیار زبانی کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «و»ی پایان کلمه در هجای دهم مصراع نخست

۳. اختیار زبانی بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای یازدهم مصراع نخست

ث)

مَ	نُ	تُ	غا	فِ	لی	مُ	ما	هُ	خُر	شید
بَ	رین	گَر	دو	نِ	گَر	دان	نیس	ت	غا	فِل
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
مفاعیلُن			مفاعیلُن				فعولُن			

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (واو عطف) در هجاهای دوم، سوم و هفتم مصراع نخست

۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای دوم مصراع دوم

سؤال سوم:

الف) تضاد بین واژگان قبض (گرفتگی) ± بسط (گشادگی)، و گریه±خندیدن

ب) دشمن ملک = لف ۱ ➲➲ پادشاه بی حلم = نشر ۱/{دشمنِ} دین = لف ۲ ➲➲ زاهد بی علم = نشر ۲ (نوع لف و نشر: مرتّب)

پ) تضاد بین واژگان روز ± شب، آمدی ± رفتی

ت) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم ترکیبی متناقض‌گونه است، زیرا شاعر می‌گوید بهره‌ام از شادی دنیا غم است. بین واژگان شادی و غم نیز تضاد وجود دارد.

ج) «سادهٔ بسیارنقش» و «آگاه نبودن دانا» ترکیب‌هایی متناقض‌نما هستند.

چ) ترکیب‌های آب آتش‌فروز و آتش آب‌سوز متناقض‌نما هستند. زیرا آب آتش را خاموش می‌کند و نمی‌تواند باعث افروختن آن شود.

سؤال چهارم:

در متن از ترکیبات و مثال‌های عامیانه استفاده شده و زبان آن ساده و دور از پیچیدگی‌های فنی و ادبی‌ست. از ترکیب‌های عامیانهٔ به‌کاررفته در این متن می‌توان به «چه دردسر بدهم»، «آن روی کار بالاست» و «رنگش می‌پرد» اشاره کرد. «امان از همنشین بد» نیز یکی از تعبیرات رایج عامیانه در زبان فارسی است.

«درس هفتم»

تاریخ ادبیّات ایران قرن چهاردهم (دورهٔ معاصر و انقلاب اسلامی)

سؤال اول:

محکوم کردن استبداد و بیداد، ستایش آزادی و آزادی‌خواهان، ترسیم افق‌های روشن پیروزی، تکریم شهید و فرهنگ شهادت، طرح اسوه‌های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام و مبارزان انقلابی مثل امام خمینی (ره).

سؤال دوم:

چهار دوره؛

۱. دوره اول سلطنت رضاخان تا درخشش نیما

۲. دوره اول حکومت محمدرضا تا کودتای ۲۸ مرداد

۳. دوره سوم ۲۸ مرداد تا قیام ۱۵ خرداد

۴. دوره چهارم از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷

سؤال سوم:

داستان کوتاه، خاطره‌نگاری، زندگی‌نامه نویسی، نثر ادبی، ادبیات نمایشی

سؤال چهارم:

حیدربابا به سلام: اصالت فرهنگی و زیبایی روستای زادگاه شهریار

جای پای خون: داستان و ادبیّات مذهبی

سووشون: رمان اجتماعی، ستایش صلح و آزادگی

سؤال پنجم:

موضوع داستان، دفاع مقدس است و به توصیف و ستایش پاک‌بازی و ازخودگذشتگی در دوران دفاع مقدس می‌پردازد. از گفتگوهای داستان این نکته دریافته‌می‌شود که حتّی پدران و مادران نیز به‌خاطر وطن، حاضر بودند فرزندان خود را راهی جبهه‌های جنگ کنند.

سؤال ششم:

در قلمروی فکری: توجه به اسوه‌های تاریخ اسلام، ظلم ستیزی، عشق به ائمه

در قلمروی ادبی: شعر یاس یک مثنوی آیینی- مذهبی در توصیف مظلومیت و مصائب حضرت زهرا (علیها السلام) است. شاعر در این مثنوی، ابتدا از شیوهٔ براعت استهلال در جذب مخاطب و شروع مناسب کلام استفاده کرده و در طول شعر نیز از آرایه‌هایی همچون تشبیه بلیغ اسنادی (فشردهٔ غیرترکیبی)، استعاره، نمادپردازی و تلمیحات ظریف نیز استفاده کرده‌است. بهره‌گیری از آرایهٔ لفظی تکرار (در واژهٔ یاس) نیز در شعر مشهود است. از جمله تشبیهات شعر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یاس‌ها یادآور پروانه‌اند/ پیغمبران خانه‌اند/ مثل عطر پاک نیت است/ دانه‌های اشکش از الماس بود (این تشبیه دربردارندهٔ اغراق نیز هست). از تلمیحات به‌کاررفته در شعر نیز می‌توان موارد زیر را نام برد:

حوض کوثر، (یادآور سورهٔ کوثر و نازل‌شده شأن حضرت فاطمه س)؛ تن زهرا، گل یاس کبود (اشاره به ضربه خوردن حضرت فاطمه در اثر هجوم مخالفان به منزل ایشان)؛ اشک حیدر به چاه (اشک ریختن علی ع در غم از دست دادن فاطمه س) و ...در دیگر آرایه‌های لفظی و معنوی شعر عبارتند از:

حس‌آمیزی در ترکیب بوی مهربانی، جناس ناقص در واژگان چاه و ماه، مراعات نظیر در ابر و یاس و چمن و نسترن.

سؤال هفتم:

در شعر چاووشی سرگردانی و حیرانی بدنهٔ روشنفکر و تحصیل‌کردهٔ ایرانی در دوره‌های پیش از انقلاب، آشکار است. دغدغه‌های اجتماعی اخوان این است که آیا همه‌جا مثل ایران، مردم در ناامیدی مطلق هستند یا راهی هم برای برون‌رفت از شرایط نامساعد اجتماعی وجود دارد؟ اخوان از خود می‌گوید سه راه برای انتخاب وجود دارد: راه نوش و راحت و شادی؛ شهرت‌طلبی و به سراغ قدرت رفتن؛ یا ترک هستی و ناامیدی از هر چیزی که هست. این شعر رو می‌توان نوعی رمانتیسم اجتماعی هم به شمار آورد، زیرا احساسات و دغدغه‌های اجتماعی شاعر را بیان می‌کند.

سؤال هشتم:

قالب شعر، نیمایی‌ست؛ یعنی وزن و آهنگ دارد و مصراع‌ها کوتاه و بلند هستند. وزن شعر ناهمسان (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) است که به‌دلیل نیمایی بودن، در مصراع‌ها کامل شکل نگرفته‌است. در این بند از شعر ققنوس، واژگان قافیه جهان، خیرزان و پرندگان هستند که بدون تبعیّت از الگوی خاصی، در پایان مصراع‌های نخست، سوم و پنجم آمده‌اند. در مصراع‌های زوج نیز واژگان فرد و سرد قافیه ساخته‌اند. نیما در شعر ققنوس، در محور عمودی، با نشاندن واژگانی چون مرغ خوشخوان، شاخ خیزران؛ شاخ، پرندگان، و ناله‌های گمشده آرایهٔ مراعات‌نظیر شکل می‌دهد و به این ترتیب، یک تصویر منسجمِ نمادین خلق می‌کند.

سؤال هشتم:

شعر بیداری را می‌توان بیانیهٔ ایران نو نامید. دگرگون شدن فضای اجتماعی و نو شدن خواسته‌های مردم، بن‌مایه‌ها و موضوعات جدیدی را به ادبیّات وارد کرد که همگی، خواسته‌ها و مطالبات ایرانیان بودند. موضوعاتی از جمله وطن، آزادی، تعلیم و تربیت نوین، قانون و رسیدگی به امور جاری مردم، از بارزترین این مطالبات بود. این خواسته‌ها با امضای فرمان مشروطیّت شکل رسمی و قانونی به خود گرفت، اما به‌مرور زمان و با بحران‌های پی‌درپی سیاسی از جمله انقراض قاجار، روی کار آمدن رضاخان، مسدود شدن فضای سیاسی و تغییرات فاضی سیاسی–اجتماعی در ایران، کودتاهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ که همگی عدم‌ثبات سیاسی را در پی داشتند، بدنهٔ اجتماعی ایران به ناامیدی رسید و در عمل از دستیابی به آن‌ها درماند. از این رو، درشعر معاصر، بیشتر مفاهیم و درون‌مایه‌ها با وجود اجتماعی بودن، به‌دلیل استبداد و محدویّت فضای اجتماعی و سیاسی، رنگی نمادین به خود می‌گیرد و شعرا از مواجههٔ مستقیم با نیازهای اجتماعی و خواسته‌های مردم خودداری می‌کنند. به همین دلیل، شعر معاصر پیش از انقلاب، با وجود اجتماعی بودن، رنگی تغزّلی دارد و تنوّع موضوعات از ویژگی‌های بارز آن است.

تلاشی درمسیرموفقیت

«درس هشتم»

اختیارات شاعری (۲)- وزنی

سؤال نخست:

اختیارات زبانی موجب تغییر در وزن نمی‌شود، اما اختیار وزنی امکان تغییراتی کوچک در وزن را فراهم می‌کند. اختیار زبانی قابلیت‌هایی در تلفظ برای شاعر فراهم می‌سازد، درحالی‌که اختیار وزنی به وزن و آهنگ و ترکیب پایه‌های آوایی شعر مربوط می‌شود.

سؤال دوم:

در هجای آخر هر مصراع و در پایان نیم‌مصراع اوزان دولختی از نوع دوری. این اختیار، وزنی و نام آن، بلند تلفظ کردن هجای پایانی است.

سؤال سوم:

دَس	ت	دَر	دا	مَ	نِ	مُو	لا	**زَد**		دَر
کِ	عَ	لی	بُگ	ذَ	رُ	عَز (اَز)	ما	مَ	گُ	ذَر
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
فَعَلاتُن				**فَعَلاتُن**			**فَعَلُن**			

۱. اختیار وزنی در کاربرد «فاعلاتن» به‌جای «فعلاتن»

۲. اختیار وزنی ابدال در کاربرد یک هجای بلند (زَد) به‌جای دو هجای کوتاه (مَ گُ) در رکن آخر (فعلن ← فع‌لن)[1]

ب)

تُ	با	خُ	دا	یِ	خُ	دَن*	دا	ز	کا	رُ	دِل	**خُش**		**دار**
کِ	رَح	مَ	گَر*	نَ	کُ	نَد	مُد	دَ	عی	خُ	دا	بِ	کُ	نَد
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
مفاعِلُن				**فَعَلاتُن**				**مفاعِلُن**				**فَعَلُن**		

۱. اختیار وزنیِ ابدال در کابرد یک هجای بلند (خُش) به جای دو هجای کوتاه (بِ کُ) در رکن پایانی (فعلن ← فع‌لن)

۲. اختیار وزنی تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع به یک هجای بلند (دار –U ←-)

** در هجای هفتم مصراع نخست و هجای چهارم مصراع دوم اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.*

پ)

کی	ست	کِ	پِی	غا	مِ	مَن	**بِ** U	**شَه** –	رِ	شِر	وان	بَ	رَد
یک	سُ	خَ	نَز*	مَن	بِ	دان	مَر	دِ	سُ	خَن	دان	بَ	رَد
–	U	U	–	–	U	–	–	U	U	–	–	U	–
مفتعلن				**فاعلن**			**مفتعلن**				**فاعلن**		

اختیار زبانی قلب با جابه‌جایی هجاهای کوتاه و بلند در هجاهای ۸ و ۹ مصراع نخست که *مفتعلن* را تبدیل به *مفاعلن* کرده‌است.

---

[1]. در تشخیص اختیار وزنی ابدال، شناسایی هجاهای کوتاه در هر دو مصراع ضروری و مهم است؛ زیرا این اختیار زمانی رخ می‌دهد که معادل دو هجای کوتاه در یک مصراع یک هجای بلند در مصراع دیگر به کار رود. وقتی این اختیار رخ می‌دهد، رکن فعلاتن به مفعولن، فعلن به فع‌لن، مستفعل به مفعولن و مفتعلن نیز به مفعولن تغییر می‌کند.

* در هجای چهارم مصراع دوم اختیار زبانی حذف همزه به کار رفته‌است.

ت)

شُد	چُ	نا	نَز*	تَ	فِ	دِل	کا	مِ	سُ	خَن	وَر	تِش	نِ
کِ	رَ	دی	فِ*	سُ	خَ	نَش	ءا (آ)	مَ	دِ	یِک	سَر	تِش	نِ
U	U	–	–	U	U	–	–	U	U	–	–	–	–
فعلاتن				فعلاتن			فعلاتن			فعلاتن			فع‌لن

۱. اختیار زبانیِ «فاعلاتن» به‌جای «فعلاتن» در رکن نخست مصراع نخست

۲. اختیار وزنی ابدال در آوردن یک هجای بلند به‌جای دو هجای کوتاه در رکن پایانی (فعلن ← فع‌لن)

۳. اختیار وزنی در بلند کردن هجای کوتاه پایانی (نِ U ← –)

** در هجای چهارم مصراع نخست، اختیار زبانی حذف همزه و در هجای چهارم مصراع دوم، اختیار زبانی تبدیل مصوّت کوتاه پایان کلمه به مصوّت بلند وجود دارد.*

ث)

یا	ر	با	ما	ست	چِ	حا	جَت	کِ	زِ	یا	دَت	طَ	لَ	بیم
دَو	لَ	تِ*	صُح	بَ	تِ	ءانّ	مو	نِ	سِ	جانّ	ما	را		بَس
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
فاعِلاتُن				فَعَلاتُن				فَعَلاتُن				فَعَلُن		

۱. اختیار وزنیِ کابرد فاعلاتن به‌جای فعلاتن در دو رکن نخست هر دو مصراع

۲. اختیار وزنی ابدال در آوردن یک هجای بلند (را) به‌جای دو هجای کوتاه (طَ لَ) در رکن پایانی مصراع دوم (فعلن ← فع‌لن)

۴. اختیار وزنیِ بلند بودن هجای کشیدهٔ پایان مصراع نخست (بیم –U ← –)

* در هجای سوم مصراع دوم، اختیار زبانی بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه وجود دارد.

ج)

می	کو	ش	بِ	هَر	وَ	رَق	کِ	خا	نی
کانّ	دا	نِش		را	تَ	ما	م	دا	نی
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مستفعِلُ				فاعِلاتُ				فَعَلَن	

اختیار وزنی ابدال در رکن پایانی هر دو مصراع (فعلن ← فع‌لن)

اختیار وزنی ابدال در رکن نخست مصراع دوم، که به‌جای دو هجای کوتاه (ش بِ)، یک هجای بلند (نِش) آمده‌است. (مستفعلُ ← مفعولن)

پایه‌های آوایی بیت، به‌صورت «مفعول مفاعلن فعولن» نیز قابل تفکیک است.

تلاشی درمسیر موفقیت

چ)

با	کِ	گو	یَم	بِ	جَ	هاتِ	مَح	رَم		کو
چِ	خَ	بَر	گو	یَم		با	بی	خَ	بَ	راتِ
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	-
فَعَلاتُن			**فَعَلاتُن**					**فَعَلُن**		

۱. اختیار وزنی «فاعلاتن» به‌جای «فعلاتن» در رکن اول مصراع نخست

۲. اختیار وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلند (یَم) به‌جای دو هجای کوتاه (بِ جَ) در رکن دوم مصراع دوم (فعلاتن ← مفعولن)

۳. اختیار وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلند (رَم) به‌جای دو هجای کوتاه (خَ بَ) در رکن آخر مصراع نخست (فعلن ← فعِلن)

ح)

بِ	وَ	فا	یِ*	دِ	لِ	مَن	نا	لِ	بَ	را*	ری	د	چُ	**نانک**
چَن	بَ	رِ*	ایتِ	فَ	لَ	کِ*	شَع	وَ	ذِ	گَر	بُگ	**شا**		**ییِد**
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
فَعَلاتُن				**فَعَلاتُن**				**فَعَلاتُن**				**فَعَلُن**		

۱. اختیار وزنی تبدیل رکن فعلاتن به فاعلاتن در رکن نخست مصراع دوم

۲. اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (د چُ) به یک هجای بلند (شا) در رکن پایانی مصراع دوم (فعلن ← فعِلن)

۳. در هجاهای پایانی هر دو مصراع، هجای کشیده به هجای بلند تبدیل شده‌است.

** در هجای چهارم مصراع نخست، اختیار زبانی تبدیل مصوّت کوتاه (کسرهٔ اضافه) به بلند وجود دارد.*

** در هجای یازدهمِ مصراع دوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.*

** در هجاهای سوم و هفتم مصراع دوم، اختیار زبانی تبدیل مصوّت کوتاه به بلند (کسرهٔ اضافه) وجود دارد.*

سؤال چهارم:

الف)

دی	گَر	دِ	لَم	هَ	وا	یِ	سُ	رو	دَن	نِ	می	کُ	نَد
تَن	ها	بَ	ها	نِ	**یِ**	دِ	لِ	ما	دَر	گَ	لو	شِ	**کست**
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مفعول			**فاعلات**					**مفاعیل**				**فاعلن**	

۱. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای ششم مصراع دوم

۲. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده هجای پایانی مصراع دوم به هجای بلند

❗ پایه‌های آوایی بیت به صورت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» نیز قابل تفکیک است، امّا در علم عروض، برای وزن نخست نام‌گذاری می‌شود.

تلاشی در مسیر موفقیت

ب)

مَن	بِ	زَ	با	نِ	اَش	کِ	خُد	می	دَ	هَ	مَت	با	سَ	لا	مُ	تُ
بَر	سَ	رِ	آ	تَ	**شِ**	دِ	لَم	هَم	چُ	زَ	با	نِ	می	رَ	وی	
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	
مفتعلن			**مفاعلن**					**مفتعلن**					**مفاعلن**			

۱. اختیار وزنی در تبدیل هجای کوتاه پایانی مصراع نخست به هجای بلند

۲. اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (کسرهٔ اضافه) در هجای ششم مصراع دوم

پ)

دِ	لَم	شِ	کَس	تِ	تَ	**رَز**	شی	شِ	ها	یِ	شَه	رِ	شُ	**ماست**
شِ	کَس	تِ	با	د	کَ	سی	کیـ	چُ	نی	نِ	ماـ	**می**		**خاست**
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
مفاعِلُن				**فَعَلاتُن**				**مفاعِلُن**				**فَعَلُن**		

۱. اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم مصراع نخست

۲. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع نخست به هجای بلند

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (رِ شُ) به یک هجای بلند (می) در رکن پایانی مصراع دوم (فعلن ← فعلن)

۴. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع دوم به هجای بلند

ت)

مَن	نَ	دا	نَم	بِ	نِ	گا	**هِ**	تُ	چِ	را	زی	ست	نَ	هاـ	
کِ	مَ	**ناـ**	را	ز	تَ	واـ	دی	دَ	نُ	گُف	تَن	نَ	تَ	واـ	
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	
فَعَلاتُن				**فَعَلاتُن**				**فَعَلاتُن**				**فَعَلُن**			

۱. اختیار وزنی آوردن «فاعلاتن» به‌جای «فعلاتن» در رکن نخست مصراع نخست

۲. اختیار زبانی بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه پایان کلمه (کسرهٔ اضافه) در هجای هشتم مصراع نخست

۳. اختیار زبانی حذف همزه در هجای سوم مصراع دوم

تلاشی درمسیر موفقیت

«درس نهم»

اغراق، ایهام و ایهام تناسب

سؤال نخست:

الف) شیرین در مصراع اول ایهام به طعم شیرین (معنی نخست) و معشوقهٔ فرهاد (معنی دوم) دارد.

ب) در واژگان اوفتاده و مهر ایهام وجود دارد؛ اوفتاده به معنای قرار گرفته بر روی زمین (معنای نخست) و متواضع و فروتن (معنای دوم) به کار رفته‌است و مهر نیز دارای معانی محبّت (معنای نخست) و خورشید (معنای دوم) به کار رفته‌است. با توجّه به کاربرد این معناها در شعر و منظور شاعر، در واژهٔ نخست (اوفتاده) ایهام و در واژهٔ دوم (مهر) ایهام تناسب وجود دارد. مهر با واژگان عیّوق و آفتاب تناسب (مراعات‌نظیر) دارد و به همین دلیل، ایهامِ نهفته در واژهٔ مهر را تناسب می‌نامیم.

پ) در واژهٔ «باقی» ایهام تناسب وجود دارد؛ معنی نخست و اصلی آن در شعر «بقیه» و «باقی‌مانده» است و معنی دوم آن جاودان است که با *فانی* در مصراع دوم، رابطهٔ معنایی تضاد ایجاد کرده‌است.

ت) واژهٔ نگران ایهام دارد به مضطرب (معنی نخست) و در حال نگریستن (معنی دوم)

سؤال دوم:

الف) اغراق در توصیف لطافت بدن یار که حتی برگ گل نیز به بدنش آزار می‌رساند.

ب) اغراق در بلند کردن هزار من سنگ برای توصیف انتقادناپذیری {فرومایه}.

سؤال سوم:

ءَز (اَز)	خو	نُ	گُ	لُ	شُ	کو	فِ	تا	بو	تِ	شَ	**هید**
بَر	مُو	جِ	بُ	لَن	دِ	دَس	ت	ها	رَن	**گین**		**بود**
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
مستفعلُ				**فاعلاتُ**					**مستفعلُ**			**فع**

۱. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع نخست و دوم به یک هجای بلند

۲. اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (تِ شَ) به یک هجای بلند (گین) در رکن سوم مصراع دوم (مستفعل ← مفعولن)

! تفکیک پایه‌های آوایی شعر به‌صورت «مفعول مفاعیلُ مفاعیلُ فعل» نیز امکان‌پذیر است و نام‌گذاری در علم عروض نیز بر مبنای همین وزن صورت می‌گیرد.

تلاشی درمسیرموفقیت

کارگاه تحلیل فصل

سؤال نخست:

الف)

هَر	چِ	دا	ری	ءَ	گَر	بِ	عِش	ق	دَ	هی
کا	فِ	رَم	گَر	جُ	وی	زِ	یان	**بی**		نی
—	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
فاعِلاتُن			**مَفاعِلُن**					**فَعَلُن**		

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ق دَ) به یک هجای بلند (بی) در رکن آخر مصراع دوم (فعلن ← فعلن)

اختیار وزنی در تبدیل فعلاتن رکن اول هر دو مصراع به فاعلاتن

ب)

مَن	نَ	دا	نِس	تَ	مَ	**زَو**	وَل	کِ	تُ	بی	مِه	رُ	وَ	فا	یی
عَه	د	نا	بَس	تَ	نَ	**زانْ**	بِه	کِ	بِ	بَن	دی	یُ	نَ	پا	یی
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
فاعِلاتُن			**فَعَلاتُن**				**فَعَلاتُن**				**فَعَلاتُن**				

اختیار وزنی آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن در رکن نخست هر دو مصراع

اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم هر دو مصراع

پ)

مَ	را	بِ	سو	دُ	فُ	رو	ری	خت	هَر	چِ	دَن	**دانْ**	**بود**
نَ	بو	د	دَن	**دانْ**		لا	بَل	چِ	را	غِ	تا	**بانْ**	**بود**
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—	—
مفاعِلُن			**فَعَلاتُن**				**مفاعِلُن**				**فعلن**		

۱. اختیار وزنی ابدال در رکن آخر هر دو مصراع در تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند (فعلن ← فعلن)

۲. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان هر دو مصراع (بود) به هجای بلند

۳. اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (دُ فُ) به یک هجای بلند (دان) در رکن دوم مصراع دوم (فعلاتن ← مفعولن)

ت)

نَ	ما	ند	تی	**ری**		دَر	تَر	کِ	**شِ**	قَ	ضا	کِ	فَ	لَک
سو	**یِ**	دِ	لَم	بِ	سَ	**رَن**	گُش	تِ	ءِم (اِم)	تِ	حانْ	نَ	گُ	**شود**
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
مفاعِلُن			**فَعَلاتُن**				**مفاعِلُن**				**فَعَلُن**		

۱. اختیار وزنی ابدال در تبدیل دو هجای کوتاه (بِ سَ) به یک هجای بلند (ری) در رکن دوم مصراع نخست (فعلاتن ← مفعولن)

۲. اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم مصراع دوم

۳. اختیار زبانی تبدیل مصوّت بلند «و» به مصوّت کوتاه در پایان واژهٔ *سو* در هجای نخست مصراع دوم

۴. اختیار زبانی تبدیل مصوّت کوتاه پایان کلمه (کسرهٔ اضافه) به یک مصوّت بلند در هجای نهم مصراع نخست و دوم مصراع دوم

۵. اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع دوم (شود) به یک هجای بلند

ث)

هَ	مِ	دَر	خُر	دِ	را	یُ	قِی	مَ	تِ	خیش
عَز (اَز)	تُ	خا	هَن	دُ	مَن	تُ	را	**خا**		هَم
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
فَعَلاتُن				**مفاعِلُن**				**فَعَلُن**		

۱. اختیار وزنی در آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن در رکن نخست مصراع دوم

۲. وزنی ابدال و آوردن یک هجای بلند (خا) به‌جای دو هجای کوتاه (مَ تِ) در رکن آخر مصراع دوم (فعلن ← فعْلن)

ج)

ءی (اِی)	بی	خَ	بَر	بِ	کو	ش	کِ	صا	حِب	خَ	بَر	شَ	وی
تا	را	ه	رُو	نَ	با	**شی**		کِی	را	ه	بَر	شَ	وی
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مستفعِلُن				**مفاعِلُ**				**مستفعِلُن**				**فَعَل**	

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (ش کِ) به یک هجای بلند (شی) در رکن دوم مصراع دوم (مفاعلُ ← فعولن)

! پایه‌های آوایی این بیت به‌صورت «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیز قابل جداسازی است. در نام‌گذاری عروضی از این وزن استفاده می‌شود.

سؤال دوم:

الف) ایهام در واژهٔ «بوی» به معنی عطر (معنی نخست) و قصد (معنی دوم).

ب) ایهام تناسب در واژهٔ «روی» به معنی چهره که معنی موردنظر شاعر در بیت است و یادآوری فلز روی نیز هست که با واژگان مس و زر (دو نوع فلز دیگر) تناسب معنایی و مراعات‌نظیر دارد.

پ) اغراق در بیان ماجراهای عاشقانهٔ شاعر که با این همه گفتن، تنها یکی از هزاران ماجرا بوده‌است.

سؤال سوم:

این شعر از قالب‌های نو (سپید) شعر ادبیّات انقلاب و از علی موسوی گرمارودی است.[۲] از دورن‌مایه‌های شعر انقلاب، طرح اسوه‌های تاریخی و مذهبی را می‌توان در آن دید. شعر در وصف حضرت علی (ع)، متعلّق به شاخهٔ نخست شعر پس از انقلاب و شعر سرشار از آرایه‌های بدیعی و تصاویری‌ست که به آن، غنای معنایی می‌دهد. عمده‌ترین آرایهٔ معنوی شعر، تلمیح است که در آن به‌صورت پی‌درپی، به وقایع زندگانی امام نخست شیعیان، اشاره شده‌است. (تلمیح به شکافته‌شدن فرق ایشان به شمشیر، کمک وی به بیوه‌زنان و یتیمان، بازی با کودکانی که پدر خود را در جنگ از دست داده‌بودند و ...).

---

۲. شعر سپید شعری‌ست که وزن عروضی ندارد، اما شاعر با آهنگ، لحن، تناسب‌های معنایی و بهره‌گیری از موسیقی لفظی و معنوی واژگان در محور عمودی و افقی شعر، به آن موسیقی می‌بخشد.

تلاشی درمسیرموفقیت

«درس دهم»

سبک‌شناسی دورهٔ معاصر و انقلاب اسلامی

سؤال نخست:

زبان و واژگان شعری در قصاید دورهٔ انقلاب به سبک خراسانی نزدیک است./ واژگان متناسب با دین، جبهه و جنگ، شهادت، ایثار و وطن دوستی در شعر و نثر این دوره بیشتر می‌شود./ باستان‌گرایی و علاقه به واژه‌های کهن و آشنایی‌زدایی در زبان شعر این دوره دیده می‌شود.

سؤال دوم:

به‌دلیل ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی (بروز انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق) روح حماسه و عرفان در شعر این دوره بسیار آشکار است. در حماسه، به‌دلیل رخدادهای سیاسی آن دوره، بعد زمینی بر بعد اساطیری حماسه غلبه دارد و در عرفان نیز بعد آسمانی به‌دلیل رواج ارزش‌های اسلامی و معنوی غلبه می‌کند. نتیجهٔ تلفیق این دو بینش را در قالب جدیدی از شعر انقلاب به‌عنوان غزل حماسی (غزل–حماسه) می‌توان دید.

سؤال سوم:

زبان داستان‌ها، به‌ویژه در زمان جنگ، بیشتر عامیانه است./ ساده‌نویسی در نثر رواج دارد./ واژه‌های مربوط به فرهنگ ایثار، جنگ، شهادت، مبارزه و مقاومت به نثر راه پیدا می‌کند. (مانند شعر)

سؤال چهارم:

الف)

قلمروی زبانی: از ویژگی‌های زبانی شعر دورهٔ انقلاب در این شعر می‌توان به ترکیب‌سازی‌های شاعر اشاره کرد: معنی دریا شدن، جرأت فردا شدن، برزخ کبود، اجازهٔ زیبا شدن، خاک بی‌بهار، عمیق زمین و ... . این ویژگی نتیجهٔ روی آوردن شعرا به مفاهیم انتزاعی، معنوی، عرفانی و ارزشی‌ست. بیشتر واژگان به‌کاررفته در این شعر فارسی است. از جمله واژگان عربی در آن می‌توان به معنی، جرأت، اجازه، عمیق و میل اشاره کرد. شاعر کمتر تمایل به بهره‌گیری از واژگان مرکب یا جملات طولانی دارد که این نکته سادگی و شفافیت بیان او را نشان می‌دهد. در شعر، برخی واژگان وندی نیز وجود دارد؛ از جمله سوخته، بی‌بهار و زمینه.

قلمروی ادبی: در قلمروی ادبی، شاعر با جان‌دارپنداری در عناصر طبیعی (که از ویژگی‌های بارز شعر سلمان هراتی و ناشی از عرفان طبیعت‌گرایانهٔ اوست)، تصویرسازی کرده‌است. استعارهٔ مکنیّه در واژگان شب (که جرأت ندارد و فردا نمی‌شود)، علف (که اجازهٔ زیبا شدن ندارد)، بهار (که شانه دارد و در عمیق زمین گم است)؛ استعارهٔ مصرّحه در واژهٔ رود (گروه‌های مختلف مردم)، دریا شدن (کنایه از اتّحاد مردم) و برزخ کبود استعارهٔ مصرّحه از دوران ستم‌شاهی، برخی از بارزترین تصاویر به‌کاررفته در این شعرند.

قلمروی فکری: شعر اشاره به ستم و خفقانی می‌کند که جامعهٔ پیش از انقلاب اسلامی را فرا گرفته‌بود و به مردم فرصت ابراز وجود و عقیده نمی‌داد. شعر به‌دلیل ارزشی بودن، سرشار از مفاهیمی انتزاعی، از جمله ترس، استبداد، ستم و میل به شکوفایی‌ست. همچنین، طرح اسوه‌های انقلابی (امام خمینی ره) را در زبانی نمادین می‌توان در این شعر دید. مخاطب «تو» در بیت نخست، امام خمینی است.

ب)

پی	**شَز**	تُ	ءا (آ)	ب	مَع	**نی**	یِ	دَر	یا	شُ	دَن	نَ	**داشت**
شَب	ماه	دِ	بو	دُ	جُر	ءَ	تِ	فَر	دا	شُ	دَن	نَ	**داشت**
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مستفعِلُن				**مفاعِلُ**				**مستفعِلُن**				**فَعَل**

۱. اختیار زبانی حذف همزه در هجای دوم مصراع نخست
۲. اختیار وزنی تبدیل یک هجای کشیده به یک هجای بلند در هجاهای پایانی هر دو مصراع
۳. اختیار زبانی کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «ی» در هجای هفتم مصراع نخست

! پایه‌های آوایی شعر به‌صورت«مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیز قابل جداسازی است.

سؤال پنجم:

این نثر از نمونه‌های شرح‌حال‌نویسی ادبیّات معاصر است؛ می‌توان آن را دارای نوعی سبک فردی، که از ویژگی‌های رایج نثر معاصر است، یعنی نام نویسنده‌اش (زرین‌کوب) نامید. جملات آن کوتاه، صریح، توصیفی و عینی است. (به توصیف ساده‌زیستی مولانا پرداخته‌است) لحنی صمیمی، امّا جدی دارد. زبان آن فاخر و از عبارات عامیانه دور است، امّا مصنوع یا فنّی نیست، زیرا سجع‌پردازی و تمایل به بهره‌گیری از واژگان دشوار و هماهنگ، عبارات عربی و ... در آن دیده نمی‌شود.

تلنجی
تلاشی درمسیرموفقیت

«درس یازدهم»
وزن در شعر نیمایی

سؤال نخست:

متن شعر		مراحل تقطیع			
هست شب یک شبِ دم‌کرده و خاک	**پایه‌های آوایی**	هَس ت شَب یِک	شَ بِ دَم کَر	دِ وُ خاک*
	وزن	**فاعلاتن**	**فعلاتن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– –U U	–U U
رنگ رخ باخته‌است	**پایه‌های آوایی**	رَن گِ رُخ با		خ تِ اَست*
	وزن	**فاعلاتن**		**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	– – U–		–U U
باد نوباوهٔ ابر، از برِ کوه	**پایه‌های آوایی**	با د نُو با	وِ یِ اَب رَز**	بَ رِ کوه*
	وزن	**فاعلاتن**	**فعلاتن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– –U U	–U U
سوی من تاخته‌است	**پایه‌های آوایی**	سو یِ من تا		خ تِ اَست*
	وزن	**فاعلاتن**		**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	– – U–		–U U

** در هجاهای پایانی همهٔ مصراع‌ها اختیار وزنی تبدیل هجای کشیده به بلند در پایان مصراع وجود دارد.*

*** در هجای هشتم مصراع دوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.*

سؤال دوم:

متن شعر		مراحل تقطیع			
میان مشرق و مغرب ندای مختصری‌ست	**پایه‌های آوایی**	مِ یا نِ مَش	رِ قُ مَغ رِب	نِ دا یِ مُخ	تَ صَ ریست*
	وزن	**مفاعلن**	**فعلاتن**	**مفاعلن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	– U–U	– –U U	– U–U	–U U
که گاه می‌گوید	**پایه‌های آوایی**	کِ گا ه می		گو** یَد	
	وزن	**مفاعلن**		**فع‌لن**	
	نشانه‌های هجایی	– U–U		– –	
من از ستارهٔ دنباله‌دار می‌ترسم	**پایه‌های آوایی**	مَ نَز☼ سِ تا	رِ یِ دُن با	لِ دا ر می	تَر** سَم
	وزن	**مفاعلن**	**فعلاتن**	**مفاعلن**	**فع‌لن**
	نشانه‌های هجایی	– U–U	– –U U	– U–U	– –
که از کرانهٔ مشرق طلوع خواهدکرد	**پایه‌های آوایی**	کِ اَز کَ را	نِ یِ مَش رِق	طُ لو ع خا	هَد** کَرد*

	وزن	مفاعلن	فعلاتن	مفاعلن	فع‌لن
	نشانه‌های هجایی	– U–U	– –U U	– U–U	– –

* در هجای پایانی مصراع نخست و چهارم، اختیار وزنی تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع به هجای بلند وجود دارد.

** در رکن‌های پایانی مصراع‌های دوم، سوم و چهارم، اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند وجود دارد. (فعلن ← فع‌لن)

☼ در هجای دوم مصراع سوم، اختیار زبانی حذف همزه وجود دارد.

سؤال سوم:

متن شعر	مراحل تقطیع					
چون درختی در صمیم سرد و بی‌ابر زمستانی	**پایه‌های آوایی**	چُن دِ رَخ تی	دَر صَ می مِ*	سَر دُ بی اَب	رِ* زِ مِس تا	نی
	وزن	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فع**
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	– – U–	– – U–	–
هرچه برگم بود و بارم بود	**پایه‌های آوایی**	هَر چِ بَر گَم		بو دُ با رَم		بود*
	وزن	**فاعلاتن**		**فاعلاتن**		**فع**
	نشانه‌های هجایی	– – U–		– – U–		–
هرچه از فر بلوغ گرم تابستان و میراث بهارم بود	**پایه‌های آوایی**	هَر چِ اَز فر	رِ* بُ لو غِ*	گَر مِ تا بِس	تا نُ می را	ثِ* بَ ها رَم	بود*
	وزن	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فاعلاتن**	**فع**
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	– – U–	– – U–	– – U–	–
هرچه یاد و یادگارم بود	**پایه‌های آوایی**	هَر چِ یا دُ*		یا دِ گا رَم		بود*
	وزن	**فاعلاتن**		**فاعلاتن**		**فع**
	نشانه‌های هجایی	– U– –		– U– –		-
ریخته‌ست	**پایه‌های آوایی**	ری خ تست*				
	وزن	**فاعلن**				
	نشانه‌های هجایی	– U–				

این شعر از اخوان ثالث، در قالب نیمایی سروده شده‌است؛ به همین دلیل تعداد هجاهای مصراع‌ها در آن برابر نیست. در برخی مصراع‌ها دو رکن و در برخی از آن‌ها پنج یا شش رکن وجود دارد. بارزترین تفاوت این شعر در مقایسه با قالب‌های سنّتی، غیر از نابرابری هجاها و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها، عبور از مرز چهار رکن در هر مصراع است. در مصراع‌های نخست و سوم این شعر، به‌ترتیب، پنج و شش رکن وجود دارد و این نشانهٔ عدم پیروی به قالب‌های کهن و سنّتی در قالب‌های نیمایی است.

! در جدول، اختیارات شاعری با علامت * مشخص شده‌اند.

سؤال چهارم:

الف) شعر نو است و در قالب نیمایی سروده شده‌است. وزن و آهنگ عروضی دارد.

پ) شعر سنتی در قالب مستزاد؛ این قالب، وزن و آهنگ عروضی دارد، همهٔ مصراع‌ها دارای وزن عروضی یکسان هستند، اما هر مصراع با یک پارهٔ موزون جداگانه (و گاهی با وزنی متفاوت از وزن اصلی شعر) از لحاظ معنایی تکمیل می‌شود.

سؤال پنجم:

الف)

چُن	می	رَ	وی	بی	مَن	مَ	رُو	ءِی	جا	نِ	جاج	بی	تَن	مَ	رُو	
وَز	چَش	مِ	مَن	بی	روج	مَ	شُو	ءِی	شُع	لِ	یِ*	تا	با	نِ	مَن	
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	
مستفعِلُن				**مستفعِلُن**				**مستفعِلُن**				**مستفعِلُن**				

نام بحر: رجز مثمن سالم

ب)

تُ	ءَز	هَر	دَر	کِ	با	زا*	یی	بِ	دیج	خو	بی	یُ	زی	با	یی	
دَ	ری	با	شَد	کِ	ءَز	رَح	مَت	بِ	رو	یِ*	خَل	ق	بُگ	شا	یی	
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	
مفاعیلُن				**مفاعیلُن**				**مفاعیلُن**				**مفاعیلُن**				

نام بحر: بحر هزج مثمن سالم

پ)

هَ	می	شِ	تا	بَ	را	یَد	ما	هُ	خُر	شید*
مَ	را	با	شَد	بِ	وَص	لِ*	یا	ر	ءُم	مید*
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
مفاعیلُن				**مفاعیلُن**				**فعولُن**		

نام بحر: هزج مسدس محذوف

ت)

ءَ	لا	تا	نَ	خا	هی	بَ	لا	بَر	حَ	سود*
کِ	ءاج	بَخ	ت	بَر	گَش	تِ	خُد	دَر	بَ	لاست*
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	U
فَعولُن			**فَعولُن**			**فَعولُن**			**فَعَل**	

نام بحر: متقارب مثمن محذوف

«درس دوازدهم»

حسن تعلیل، حس‌آمیزی و اسلوب معادله

سؤال نخست:

نیست پروا تلخ‌کامان را ز تلخی‌های عشق　　آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است

شاعر معتقد است عاشقان از سختی راه عشق هراسی ندارند، **همان‌گونه‌که** آب دریا به مذاق ماهی خوش می‌آید و از آن هراسی ندارد. (تلخی‌های عشق برای عاشقی که همیشه در فراق است، **مثل** آب دریا برای ماهی‌ست که اگر نباشد، حیاتش به خطر می‌افتد.)

فکر شنبه تلخ دارد جمعهٔ اطفال را　　عشرت امروز بی اندیشهٔ فردا خوش است

در مصراع اول شاعر می‌گوید فکر روز شنبه که شروع کار و تحصیل هفتگی و پایان تعطیلی است، جمعه را برای کودکان تلخ می‌کند؛ **به همین گونه** نیز عشرت و خوشی امروز، فقط بدون فکر کردن به فردا خوشایند است، زیرا فکر آینده خاطر انسان را مشوّش و نگران می‌کند.

با کمال احتیاج، از خلق استغنا خوش است　　با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است

بی‌نیازی از مردم در کمال نیاز به آن‌ها خوشایند است؛ **همان گونه که** مردن از تشنگی بر لب دریا (خوشایندی موردنظر شاعر در بی‌نیازی از مردم و حفظ عزّت‌نفس است.)

سرکشان را فکند تیغ مکافات از پای　　شعله را زود نشانند به خاکستر خویش

انسان‌های سرکش خیلی زود به مکافات عملشان می‌رسند، **همان‌طورکه** شعله خیلی زود در خاکستر خودش فرو می‌ریزد و تمام می‌شود.

بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود　　پستهٔ بی‌مغز چون لب واکند، رسوا شود

شاعر در مصراع نخست بیان می‌کند که نقص انسان با سخن گفتن عیان می‌شود و در مصراع دوم با تمثیل رسوایی پستهٔ بدون مغز به‌محض باز کردن دهان، همان مطلب را تأکید می‌کند.

آزاده را جفای فلک بیش می‌رسد　　اول بلا به عاقبت‌اندیش می‌رسد

ستم روزگار بیشتر به انسان‌های آزاده می رسد، **همان‌طورکه** بلاها ابتدا بر سر انسان عاقبت‌اندیش فرو می‌ریزد.

ملامت از دل سعدی فرونشوید عشق　　سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است

ملامت دیگران باعث نمی‌شود سعدی از عشق دست بشوید و آن را ترک کند؛ **همان‌طورکه** سیاهی پوست حبشی[۳] (سیاه‌پوست) هیچ‌گاه از او زدوده نمی‌شود، زیرا بخشی از وجود اوست. (عاشقی و ملامت‌کشی نیز بخشی از وجود شاعر است و از او جدا نمی‌شود.)

سؤال دوم:

چشاندن لباس (ترکیب حواس بویایی+ لامسه)/ نجوای نمناک (ترکیب حواس شنوایی+لامسه)/ شعر تر شیرین (ترکیب حواس شنوایی+ لامسه+ چشایی)/ تلخ شنیدن و تلخِ شنیدنی (ترکیب چشایی+ شنوایی)/ بو می‌شنوم (ترکیب حواس بویایی+ شنوایی)/ رنگ می‌شنوم (ترکیب حواس بینایی+ شنوایی)/ خط محکم‌تر و بامزه‌تر (ترکیب حواس بینایی+لامسه+ چشایی)

سؤال سوم:

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت　　که چندین گل‌اندام در خاک خفت

علت روییدن گل‌ها از خاک، زیبارویانی هستند که مرده‌اند و اکنون در خاک خفته‌اند.

به یک کرشمه که در کار آسمان کردی　　هنوز می‌پرد از شوق، چشم کوکب‌ها

علت چشمک زدن ستاره‌ها (درخشش آنها) ناز و کرشمه‌ای است که معشوق (تو) در کار آسمان و موجودات آسمانی روا داشته‌است.

خمیده‌پشت از آن گشتند پیران جهان‌دیده　　که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را

علت قوز (خمیدگی پشت) پیرها خم شدن آنها برای جستجوی ایام جوانی در خاک است.

---

۳. حبشی منسوب به حبشه و نام ناحیه‌ای در آفریقاست.

کارگاه تحلیل فصل

سؤال نخست:

متن شعر		مراحل تقطیع			
و صدای باد هر دم دل‌گزاتر	پایه‌های آوایی	وَ* ص دا ی*	با د هَر دَم	دِل گَ زا تَر
	وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	– – U–
در صدای باد، بانگ او رهاتر	پایه‌های آوایی	دَر ص دا یِ*	با د بانگِ*	او رَ ها تَر
	وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	– – U–
از میان آب‌های دور و نزدیک	پایه‌های آوایی	اَز مِ یا نِ*	آ ب ها یِ*	دو رُ نَز دیک*
	وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	– – U–
باز در گوش این نداها	پایه‌های آوایی	با ز دَر گو	شینِ* نِ دا ها	
	وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	
	نشانه‌های هجایی	– – U–	– – U–	
آی آدم‌ها	پایه‌های آوایی	آ ی آ دَم	ها	
	وزن	فاعلاتن	فع	
	نشانه‌های هجایی	– – U–	–	

شعر در قالب نیمایی سروده شده‌است، طول مصراع‌ها کوتاه و بلند است و به همین دلیل، تعداد پایه‌های آوایی در هر مصراع، بر خلاف شعر سنّتی که در آن طول مصراع‌ها و تعداد پایه‌های آوایی در دو مصراع برابر است، می‌تواند متفاوت باشد.

* همان‌طورکه در جدول مشاهده می‌شود، در هجاهای قابل‌توجهی، اختیار زبانی بلند تلّفظ کردن مصوّت کوتاه وجود دارد. یک اختیار وزنی نیز در هجای آخر مصراع سوم وجود دارد.

سؤال دوم:

متن شعر		مراحل تقطیع			
همان رنگ و همان بوی	پایه‌های آوایی	هَ مانِ رَن گُ	هَ مانِ بوی*	
	وزن	مفاعیل	فعولن	
	نشانه‌های هجایی	U– –U	– –U	
همان برگ و همان بار	پایه‌های آوایی	هَ مانِ بَر گُ	هَ مانِ بار*	
	وزن	مفاعیل	فعولن	
	نشانه‌های هجایی	U– –U	– –U	
همان خندهٔ خاموش در او خفته بسی راز	پایه‌های آوایی	هَ مانِ خَن دِ	یِ خا مو شِ	دَ رو خُف تِ	بَ سی راز*
	وزن	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	فعولن
	نشانه‌های هجایی	U– – U	U– – U	U– – U	– –U

همان شرم و همان ناز	**پایه‌های آوایی**	هَ مانْ شَر مُ	هَ مانْ ناز*
	وزن	مفاعیل	**فعولن**
	نشانه‌های هجایی	U- -U	- -U

سؤال سوم:

متن شعر	**مراحل تقطیع**			
قایقی خواهم‌ساخت	**پایه‌های آوایی**	قا یِ قی خا		هَم ساخت*
	وزن	**فاعلاتن**		**فع‌لن**
	نشانه‌های هجایی	- - U-		- -
خواهم‌انداخت به آب	**پایه‌های آوایی**	خا هَ مَن* دا		خت بِ آب*
	وزن	**فاعلاتن**		**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	- - U-		- U U
دور خواهم‌شد از این شهر غریب	**پایه‌های آوایی**	دو ر خا هَم	شُ دَ زینْ* شَه	رِ غَ ریب*
	وزن	**فاعلاتن**	**فعلاتن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	- - U-	- - U U	- U U
که در آن هیچ‌کسی نیست که در بیشهٔ عشق	**پایه‌های آوایی**	کِ دَ رانْ* هی	چ کَ سی نی	ست کِ دَر بی	شِ یِ عشق*
	وزن	**فعلاتن**	**فعلاتن**	**فعلاتن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	- - U U	- - U U	- - U U	- U U
قهرمانان را بیدار کند	**پایه‌های آوایی**	قَه رِ ما نانْ	را بی دا	ر کُ نَد
	وزن	**فاعلاتن**	**مفعولن**	**فعلن**
	نشانه‌های هجایی	- - U-	- - -	- U U

اختیار وزنی در رکن اول مصراع‌های نخست، دوم، سوم و پنجم و تبدیل «فعلاتن» به «فاعلاتن»

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (خت بِ) به یک هجای بلند (هم ساخت) در رکن آخر مصراع نخست (فعلن ← فع‌لن)

اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه (چ کَ) به یک هجای بلند (را) در رکن دوم مصراع پنجم (فعلاتن ← مفعولن)

اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیدهٔ پایان مصراع به یک هجای بلند در مصراع‌های نخست تا چهارم

اختیار زبانی حذف همزه در هجای سوم مصراع دوم، هجای هفتم مصراع سوم و هجای سوم مصراع چهارم

سؤال چهارم:

این شعر در قالب مستزاد سروده شده‌است، زیرا مصراع‌هایی با وزن یکسان، پاره‌های افزودهٔ کوتاهی از وزن دیگر در ادامه دارند که همگی از ابتدا تا انتها بر یک وزن هستند. (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن+مفعول فعولن)

سؤال پنجم:

الف) شعر یک رباعی در توصیف عظمت مقام شهیدان، ارزش‌های انقلابی و رخدادهای دفاع مقدس است.

ب)

در حوزهٔ علم بیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آغوش سحر: اضافه‌ای استعاری‌ست، نوع استعاره مکنیّه است و با توجّه به این‌که مشبه‌به در آن انسان است، می‌توان آن را تشخیص هم نامید. این شیوهٔ تصویرسازی (استعارهٔ مکنیّه ← تشخیص) در مصراع دوم و در عبارت «مهتاب، خجل ز نور رخسار شماست» نیز دیده می‌شود. در مصراع سوم، برای واژهٔ خورشید نیز استعارهٔ مکنیّه به کار رفته‌است: خورشید... همسایهٔ دیوار به دیوار شماست. مصراع دوم این بیت، کنایه از بلندمرتبگی و عظمت شهید است.

در حوزهٔ علم بدیع، اغراق نهفته در بالا بردن مقام شهید و هم‌سایگی با خورشید وجود دارد. در بیت نخست، واج‌آرایی در واج «ر» بر موسیقی شعر افزوده‌است.

سؤال ششم:

باباطاهر عریان

سؤال هفتم:

الف)

ءِی	مَس	تِ	شَب	رُو	کی	س	تی	ءا	یا	مَ	هِ	مَن	نی	س	تی
گَر	نی	س	تی	پَس	چی	س	تی	ءِی	هَم	دَ	مِ	تَن	ها	یِ	دِل
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
مستفعِلُن				**مستفعِلُن**				**مستفعِلُن**				**مستفعِلُن**			

نام بحر: رجز مثمن سالم

ب)

پُ	رَز*	مَث	نَ	وی	ها	یِ	رِن	دا	نِ	اَست*
شِ	بِ*	شع	رِ	عِر	فا	نی	یِ	چش	مِ	تُ*
U	–	–	U	–	–	–	U	–	U	–
فعولن			**فعولن**				**فعولن**			**فعل**

نام بحر: متقارب مثمن محذوف

پ)

هَر	دَ	مَز*	سَر	گُش	تِ	گی	چُن	گَر	د	می	پی	چَم	بِ	خُد
هَم	رَ	هاز	رَف	تَن	دُ	مَن	تَن	ها	بِ	صَح	را	می	رَ	وَم
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
فاعلاتُن			**فاعلاتُن**				**فاعلاتُن**				**فاعِلُن**			

نام بحر: رمل مُثمّن محذوف

ت)

بِ	پا	یا	نا	مَد	دیـ	دَف	تَر	حِ	کا	یَت	هَم	چُ	نا‌ـ	با	قی
بِ	صَد	دَف	تَر	نَ	شا	یَد	گُف	ت	حَس	بُل	حا	لِ	مُش	تا	قی
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
مفاعیلُن			**مفاعیلُن**			**مفاعیلُن**			**مفاعیلُن**			**مفاعیلُن**		

نام بحر: بحر هزج مثمن سالم

سؤال هشتم:

متن مربوط به ادبیّات معاصر پس از انقلاب اسلامی ایران و دربارهٔ دفاع مقدّس و آزادگانی است که در اسارت عراقی‌ها بودند.

قلمروی زبانی: در حیطهٔ زبانی، همان‌طوری‌که از نثر این دوره انتظار می‌رود، زبان آن ساده است و واژگان مربوط به ادبیّات دفاع مقدّس در آن دیده می‌شود؛ زندانی، گلوله، عراقی‌ها و محافظان مسلّح از آن دسته هستند.

قلمروی ادبی: این متن در قالب داستان است و از جمله کتاب‌های شرح‌حال و خاطرهٔ این عصر به شمار می‌آید که به ارائهٔ گزارشی ادبی از رخدادهای زمان جنگ می‌پردازد. زاویهٔ دید آن اول شخص است و راوی مشاهدات قهرمان داستان را از زبان «من» بیان می‌کند. این شیوهٔ روایت، به واقع‌نمایی و پذیرش بیشتر گزارش نویسنده کمک می‌کند.

قلمروی فکری: این بریده از متن، در توصیف غربت آزادگان و در عین حال، امید آنان به رهایی است و نشانه‌های آن در عبارات «ین تشابه مرا دلتنگ می‌کرد- مشاممان را پر کنیم از بوی تازهٔ علف و گوش‌هایمان را از کنجشک‌های آزاد آسمان» دیده می‌شود.

ترنج
تلاشی درمسیر موفقیت

تلاشی در مسیر موفقیت

ترنج بوک

- دانلود گام به گام تمام دروس
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- مشاوره کنکور
- فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net